

✓ کتاب راهنمای خوب برای معلم، کتابی است که به معلمان کمک کند، تجربه‌های خود را سازمان دهند، بدون آن که به آن‌ها دیکته کند، چه کاری باید انجام دهند.



اشاره

«راهنمای معلم» معمولاً کتابی آموزشی است که به معلم کمک می‌کند، با هدف‌های برنامه، فلسفه‌ی آموزشی، رویکرد برنامه‌ی درسی، نحوه‌ی ارائه‌ی برنامه در کلاس و شیوه‌ی ارزشیابی از فراگیرنده در برنامه‌ی درسی خاصی آشنا شود. معمولاً راهنمای معلم برای کتاب درسی خاص و کلاس معینی طراحی و تدوین می‌شود، اما در مواردی هم برای یک دوره‌ی تحصیلی خاص و برای چند پایه به تألیف درمی‌آید. مورد اخیر را در برخی از کشورهای آسیایی و آفریقایی بیش‌تر می‌توان مشاهده کرد.

سوابق جهانی انتشار کتاب راهنمای معلم

نخستین بار کتاب راهنمای معلم در سال ۱۹۴۰م برای معلمان ابتدایی وارد بازار شد. هدف از انتشار آن تنها این بود که به معلمان آموزش داده شود، چگونه محتوای کتاب درسی را در کلاس ارائه کنند. برعکس کتاب‌هایی که برای معلمان دوره‌ی ابتدایی منتشر می‌شد و حاوی اطلاعات زیادی برای معلمان بود، کتاب‌هایی که برای معلمان دبیرستان‌ها و کالج‌ها منتشر می‌شد، اطلاعات محدودتری داشت و بیش‌تر حاوی راهنمایی‌هایی برای حل تمرینات و پاسخ به سؤالات بود.

در آن زمان، دو رویکرد متفاوت در تألیف این کتاب‌ها مطرح بود: نخست آن‌که لازم است، کتاب راهنمای معلم دوره‌ی ابتدایی حاوی اطلاعات کلی درباره‌ی آموزش دوره‌ی ابتدایی، خصوصیات کودکان، روش‌های تدریس موضوعات گوناگون، و اصول کلاس‌داری باشد. و دوم آن‌که در دوره‌ی دبیرستان، با توجه به تخصصی بودن درس‌ها، نیاز نیست که وارد جزئیات شد و تنها به ذکر کلیات باید اکتفا کرد. اگرچه در همان زمان، عده‌ی زیادی از معلمان دبیرستان‌ها، معتقد بودند، کتاب راهنمای معلم دوره‌ی دبیرستان نیز باید روشی مانند دوره‌ی ابتدایی، را اتخاذ کند. به هر حال در آن زمان ناشران شروع به ارائه‌ی آموزش‌های پایه‌ای برای معلمان کردند؛ مهارت‌هایی که امروزه اکثر معلمان دارا

با این حال در مواردی، راهنمای معلم مستقل از کتاب درسی است. این نوع کتاب‌ها دو گونه‌اند: گاه حاوی اطلاعاتی در خصوص اصول تعلیم و تربیت برای دوره‌ی خاصی، مثلاً ابتدایی، و روش‌های تدریس در موضوعات گوناگون درسی، ابزارهای آموزشی، نظام ارزشیابی، خصوصیات کودکان و فنون کلاس‌داری است. برای مثال، به کتاب «اصول آموزش و پرورش»، تألیف مرحوم دکتر عیسی صدیق و یا کتاب «دبستان و وظایف آن»، از انتشارات وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۱۴ «ش» می‌توان اشاره کرد. اما در مواردی، تنها حاوی اطلاعات زمینه‌ای و کافی در یک موضوع درسی است. کتاب‌هایی که با عنوان آموزش درس‌هایی نظیر علوم، جغرافیا، زیست‌شناسی، تاریخ، حقوق بشر، توسط یونسکو و یا دیگر ناشران و افراد علاقه‌مند منتشر شده است، در زمره‌ی این کتاب‌ها قرار می‌گیرند. هدف اصلی این مقاله، بررسی وضعیت آن دسته از کتاب‌های راهنمای معلم است که برای یک کتاب درسی تألیف شده‌اند. کتاب راهنمای معلم، مشابه کتاب راهنمای عملی برای انجام آزمایشات توسط معلم، و یا کتابی است که به منظور آموزش معلمان برای تدریس موضوع درسی خاصی تألیف شده باشد.

هستند، ولی در آن زمان، بسیاری از معلمان فارغ التحصیل از دانشگاه‌ها نیز فاقد آن‌ها بودند. تنوع درس‌های تربیت معلم نیز به اندازه‌ی امروز نبود. شاید هم سیاست‌گذاران آموزشی به تربیت معلم، آن‌هم به صورت تخصصی و حرفه‌ای آن، توجه چندانی نداشتند.

به هر حال، تألیف این کتاب‌ها با توجه به نوع اطلاعاتی که در آن‌ها ارائه می‌شد و انتظاراتی که معلمان داشتند، عملاً با انتقادهای زیادی مواجه شد. تعداد زیادی از معلمان توانایی به کارگیری روش‌های تجویزی را نداشتند و شاید هم در عمل، اجرای آن‌ها امکان نداشت. در نتیجه، کتاب‌هایی با ساختارهای ساده‌تر عرضه شدند. مثال واضح آن، کتاب‌های درسی همراه با حاشیه‌نویسی برای معلمان است

که امروزه وارد بازار شده‌اند. در حاشیه‌ی صفحات این کتاب‌های درسی حاشیه‌دار، رهنمودهایی برای معلمان در خصوص نحوه‌ی تدریس هر درس به دانش‌آموزان، ارائه شده است. این کتاب‌ها از نظر قطع بزرگ‌تر از کتاب درسی هستند. در کشور ما نیز این نوع از کتاب‌های راهنمای معلم توسط

«سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» در یک دهه‌ی اخیر به چاپ رسیده‌اند. برای مثال می‌توان به کتاب‌های راهنمای معلم برای معلمان ابتدایی و راهنمایی در حوزه‌ی درس علوم اشاره کرد.

در حال حاضر، کتاب‌های راهنمای معلم حاشیه‌دار حاوی اطلاعاتی است شامل: منطق برنامه، رویکردهای آموزشی، اهداف آموزشی، جدول‌های توالی و وسعت مفاهیم، معرفی منابع آموزشی برای معلم، معرفی مواد آموزشی متفاوت، روش اجرای برنامه، نحوه‌ی ایجاد انگیزه، فعالیت‌های غنی‌سازی برای دانش‌آموزان تیزهوش، دستورالعمل‌هایی برای دانش‌آموزان دیرآموز، و بالاخره، نمونه سؤالات و شیوه‌ی ارزشیابی از فراگیران است [Kaltsounis, 1989]. این

کتاب‌ها از نظر چاپ، رنگ و اندازه‌ی حرف‌های به کار رفته در حاشیه و متن نیز با سایر کتاب‌های راهنمای معلم فرق دارند.

بررسی کتاب‌های مختلف راهنمای معلم حاکی از آن است که ناشران این کتاب‌ها ناچارند، به مانند کتاب‌های درسی، به یافته‌های پژوهشی و نظرات معلمان در تولید

استانتون معتقد است، بهترین ارزیابی‌ها آن‌هایی هستند که کتاب راهنما را از دیدگاه معلمان ارزیابی می‌کنند. وی معتقد است، کتاب راهنمای خوب برای معلم، کتابی است که به معلمان کمک کند، تجربه‌های خود را سازمان دهند، بدون آن‌که به آن‌ها دیکته کند، چه کاری را باید انجام دهند



کتاب‌هایشان توجه

کنند؛ از جمله معرفی منابع

تدریس، بیان روش‌ها به شکل مفصل‌تر، و معرفی روش‌هایی که کارآمدی و مؤثر بودن خود را در عمل نشان داده‌اند. آن دسته از کتاب‌های راهنمای معلمی که توسط این گروه از ناشران تألیف شده، بیش‌تر مورد توجه معلمان قرار گرفته‌اند.

استفاده از کتاب‌های راهنمای معلم با هدف ترویج ایدئولوژی سیاسی یک مسأله‌ی جدید است. خیلی از کشورها که مرحله‌ی تحول را پشت سر می‌گذارند، به این مهم توجه کرده‌اند. برای مثال، می‌توان به «کتاب راهنمای معلم برای داوطلبان سوادآموزی» در نیجریه اشاره کرد. این کتاب، علاوه بر راهنمایی گام‌به‌گام معلمان، به ارائه‌ی اطلاعات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به منظور هدایت بحث‌های سیاسی در کلاس می‌پردازد [کاردنال و میلر، ۱۹۸۱]. این کتاب در ضمن به دنبال ایجاد مهارت‌های تجزیه و تحلیل و پرورش حس مسؤولیت اجتماعی در معلمان است. معرفی منابع مطالعاتی به معلمان، از دیگر ملاحظات است که در

تألیف کتاب مورد توجه قرار گرفته است. در کوبا، کتاب «اجازه دهید با سواد شویم و مردم را هم مطلع کنیم»، به معلمان کمک کرد تا به داوطلبان، سواد خواندن و نوشتن را یاد دهند، یاد بگیرند که چگونه با هم بحث کنند، به خاطر منافع جمع کار کنند و در محصول کار با هم شریک شوند تا جامعه‌ای با منافع مشترک را برپا کنند.

ارزیابی مطالعات انجام شده روی کتاب‌های راهنمای معلم

در ارزیابی‌هایی که روی کتاب‌های راهنمای معلم انجام شده است، سه رویکرد را می‌توان تشخیص داد: نخست آن‌هایی که مرتبط با ملاک‌هایی هستند که در تألیف این کتاب‌ها به کار رفته‌اند. دوم آن‌هایی که به انتظارات معلمان از یک راهنمای معلم توجه دارند و به مقایسه‌ی این انتظارات با آنچه که در راهنما ارائه شده است، می‌پردازند. سوم آن‌هایی که می‌کوشند ارزیابی کنند، راهنماها چگونه و با چه تأثیری مورد استفاده‌ی معلمان قرار گرفته‌اند.

توافقی با هم ندارند.
معلمان ابتدایی
خواستار اطلاعات
تفصیلی تر در
مورد برنامه،
نظیر هدف‌های

کلی و جزئی (رفتاری و

غیررفتاری)، روش تدریس گام به گام، پاسخ سؤالات طرح درس سالانه و روزانه، ذکر انواع آزمون‌های پایانی برای هر درس، معرفی مواد آموزشی و اطلاعات تکمیل برای معلم بودند. در دوره‌ی راهنمایی، انتظارات معلمان متفاوت، برای مثال علوم، زبان فارسی و حرفه‌وفن، از کتاب معلم با هم فرق دارد. به عبارت دیگر، کتاب‌های راهنمای معلم باید ضمن توجه به نکات مشترک، در مواردی نباید از چارچوب واحد پیروی کنند. لازم است، کتاب‌های مربوط به هر درس با توجه به انتظارات خاص معلمان آن درس تهیه شوند. این مطالعه در مقیاسی کوچک انجام شده است و ضرورت دارد، تحقیقات در این خصوص با ابعاد وسیع‌تری به اجرا درآید.

□ پیرونک (۱۹۷۹) نیز در مطالعه‌ی خود که روی معلمان ایالات متحده انجام داد، به این نتیجه رسید که معلمان در خصوص اجرای یک کتاب راهنما چندان با هم توافق ندارند. برخی از راهنماها به این علت مورد استفاده قرار دارند که خیلی کلی گویی کرده‌اند و برخی دیگر به این علت که



مطالعات انجام شده

حاکمی از آن است که در این راهنماها، از معیارها و واحدی در تألیف پیروی نشده است. استانتون معتقد است، بهترین ارزیابی‌ها آن‌هایی هستند که کتاب راهنما را از دیدگاه معلمان ارزیابی می‌کنند. وی معتقد است، کتاب راهنمای خوب برای معلم، کتابی است که به معلمان کمک کند، تجربه‌های خود را سازمان دهند، بدون آن‌که به آن‌ها دیکته کند، چه کاری را باید انجام دهند. به عبارت دیگر، عده‌ای معتقد هستند که کتاب راهنمای معلم بهتر است، نوع رفتار یک معلم موفق را با جزئیات کامل آن به دیگر معلمان نشان دهد. در واقع، مسأله‌ی اصلی در این راهنماها آن است که برنامه‌ی درسی به شکل مؤثر در کلاس ارائه شود و در عین حال، به معلمان کمک شود، به نیازهای متنوع دانش‌آموزان با توجه به خصوصیات منحصر به فرد آنان پاسخ دهند.

□ صفوی و معافی (۱۳۶۹) در مطالعه‌ی خود در خصوص انتظارات معلمان از کتاب راهنمای معلم به این نتیجه رسیدند که معلمان ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، در خصوص اجرای کتاب راهنما، چندان

پیشنهادهای زیادی را به معلمان ارائه کرده و تنها به سردرگمی بیش تر آن‌ها کمک کرده‌اند. سایر انتقادهای وارد بر کتاب‌های راهنما این است که خیلی وارد جزئیات می‌شوند، پیشنهادشان درخصوص انفرادی کردن آموزش غالباً ناکافی است، و این که سؤالات مطرح شده بیش تر روی حافظه و یادآوری تأکید کرده‌اند تا سطوح بالاتر شناختی.

کتاب‌های راهنمای معلم در حوزه‌ی زبان آموزی نیز از آن جهت که فاقد رهنمودهای دقیق برای یادگیری مهارت‌های زبانی و یا تمرینات کافی هستند، مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. این راهنماها همچنین به این دلیل که به اصول زبان آموزی، راهبردهای آموزشی و نحوه‌ی استنتاج درک معانی کلمات توجه ندارند، مذمت شده‌اند. برخی از راهنماها، گرچه با تحلیل تلفظ صداها و هجاها رهنمودهایی ارائه می‌کنند، اما در کمک به معلمان در آموختن مهارت‌های

تدریس، نقص دارند. از دیگر نقص‌های این راهنماها، تأکید بیش ترشان بر رفتارهای مکانیکی است تا درک و فهم هدف‌های واقعی درس‌ها.

مطالعه‌ی دیگری روی انتظار معلمان از راهنماهای معلم در یکی از ایالات آمریکا حاکی از

آن بود که معلمان به راهبردهای تجویزی کم‌تر اهمیت می‌دهند تا راهبردهایی که به آن‌ها پیشنهاد شده باشد [تامیر، ۱۹۸۱]. به عبارت دیگر، معلمان را باید درخصوص نحوه‌ی تدریس راهنمایی کرد اما نباید آن‌ها را مجبور کرد. همچنین، معلمان بر اصول آموزشی ماده‌ی درسی و مفاهیم، بیش تر تأکید داشتند تا راهنمایی گام‌به‌گام آن‌ها. از دیگر درخواست‌های آن‌ها این بود که در راهنما بر چگونگی منطبق کردن محتوا با استعدادهای مختلف، نحوه‌ی انفرادی کردن آموزش، و درگیر کردن فعال دانش‌آموزان در فرایند تدریس تأکید بیش تر صورت گیرد. از نظر آنان، بیان هدف‌ها به شیوه‌ی جزئی و خرد، از اهمیت کم‌تری برخوردار است.

مطالعه‌ی دیگری [دیوستاویز، ۱۹۸۸] درخصوص انتظارات معلمان دوره‌ی ابتدایی در ارتباط با درس علوم نشان داد که آن‌ها رعایت نکات زیر را در راهنمای معلم ترجیح می‌دهند:

۱. ذکر نتایج یادگیری مورد انتظار از دانش‌آموزان؛
۲. مواردی که معلمان باید به دانش‌آموز رهنمودهای خاصی بدهد؛
۲. شروع و پایان هر فعالیت؛
۴. طرح عنوان‌ها بیش تر به صورت سؤال تا به صورت موضوع؛

فولسوم در مطالعات خود در ارتباط با میزان استفاده‌ی معلمان از کتاب راهنمای معلم در درس ریاضی به این نتایج دست یافت: فقط نیمی از معلمان شیوه‌های توصیه شده را به کار می‌گیرند

۵. بیان فهرست وار رهنمودها، نه به صورت پاراگراف گونه.

□ پیکت (۱۹۷۷) در مطالعه‌ی خود، از طریق مقایسه‌ی چند کتاب راهنمای معلم در آموزش زبان انگلیسی نشان داد، هیچ‌یک از این کتاب‌ها برای معلمان مطلوب نبوده است و در ارتباط با ویژگی‌های ظاهری، معلمان خواهان کتابی هستند که زیاد گران نباشد، اما حاوی تمرینات گوناگون و شیوه‌های آموزشی باشد.

در ارتباط با ویژگی‌های محتوایی، معلمان انتظارات خود را چنین بر شمرده‌اند: تأکید بر پیش‌بینی فضا و کادر برای بیان نکات مهم، استفاده از دو یا سه رنگ، تعدد عنوان‌ها و تنوع در سبک. در زمینه‌ی ویژگی‌های مرتبط با دسترسی آسان به اطلاعات، معلمان به ترتیب به این موارد نمره داده‌اند: ذکر جزئیات در ضمائم، چارت‌هایی که به راحتی بتوان به آن‌ها مراجعه کرد، جدول‌های تفصیلی از محتوا، استفاده از عبارت راهنما در هر صفحه، مشخص کردن نشان هر فصل، و بهره‌گیری از راهنمای رنگی.

بهره‌گیری از راهنماها

اگرچه نحوه‌ی اجرای توصیه‌های راهنمای معلم، از معلمی به معلم دیگر فرق می‌کند و میزان پابندی آن‌ها به استفاده از رهنمودهای آن یکسان نیست، اما شواهد نشان می‌دهد، راهنما به میزان زیادی بر رفتار معلمان در کلاس درس تأثیر

می‌گذارد. معلمان به میزان زیادی به راهبردهای تدریس که به طور خاص در راهنما آمده‌اند، و نظم در ارائه‌ی محتوای هر درس، متکی هستند. به علاوه، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد، پیشرفت تحصیلی شاگردان، با عنایت به مهارت‌های ویژه‌ی معلم در تدریس، با پیشنهادهایی که درخصوص تدریس مفاهیم آن درس ارائه شده‌اند، در رابطه است.

از معلمان خواسته شد، نظرشان را درخصوص این گفته که: معلمان به آنچه که کتاب راهنما می‌گوید، عمل می‌کنند، بیان کنند. بیش‌تر آنان پاسخ دادند که چون راه آسانی برای هدایت آموزش در کلاس درس است، البته شک و تردیدهایی هم در این زمینه وجود دارد. به هر حال، معلمان ابتدایی غالباً سؤالاتی دارند که برای پیدا کردن پاسخ آن‌ها به راهنما مراجعه می‌کنند. در مواردی هم پاسخ ایشان در کتاب راهنما وجود ندارد. راه‌حل این مشکل همان‌گونه که گفته شد، توجه به انتظارات معلمان در تدوین کتاب راهنمای معلم است.

□ فولسوم، در مطالعات خود در ارتباط با میزان استفاده‌ی معلمان از کتاب راهنمای معلم در درس ریاضی به این نتایج دست یافت: فقط نیمی از معلمان شیوه‌های توصیه‌شده را به کار می‌گیرند. ۴۰ درصد احساس می‌کنند، راهنمای معلم به درک بهتر آن‌ها از مسائل ریاضی کمک کرده



است. همه‌ی آن‌ها بر این باورند که شیوه‌های پیشنهادی به آسانی قابل اجرا هستند، اما تنها ۲۲ درصد از فعالیت‌های تکمیلی پیشنهادی استفاده می‌کنند؛ زیرا معتقدند، اجرای آن‌ها خیلی وقتگیر است. بیش‌تر معلمان معتقدند، کتاب راهنمای معلم در برنامه‌ریزی کلاس درس برای آن‌ها خیلی مفید است، اما پیشنهادهایی که برای انفرادی کردن آموزش ارائه شده، خیلی کلی است. اغلب معلمان، مقدمه‌ی کتاب را نخوانده‌اند و فقط مروری بر آن داشته‌اند.

تحقیقاتی که باید انجام شود

متأسفانه، تعداد تحقیقات انجام شده درباره‌ی کتاب راهنمای معلم بسیار کم است. تحقیقاتی هم که تا این‌جا بدان‌ها اشاره کردیم، تنها متکی بر نظرات تعداد اندکی از معلمان هستند. با توجه به تأثیر کتاب راهنمای معلم بر فرایند تدریس و یادگیری دانش‌آموزان، انجام پژوهش در این زمینه ضرورت دارد. اما سؤال این است که چه نوع تحقیقی مورد نیاز است؟ به نظر می‌رسد که پژوهش در این حوزه‌ها باید مورد توجه قرار گیرد:

۱. بررسی انتظارات معلمان از کتاب راهنمای معلم، در دوره‌های متفاوت تحصیلی و در درس‌های گوناگون و مقایسه‌ی این انتظارات با آنچه که در این کتاب‌ها مطرح شده است.

۲. میزان بهره‌گیری معلمان از

کتاب‌های راهنمای معلم.

۳. بررسی میزان تأثیر استفاده از کتاب راهنمای معلم، در تدریس معلم و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان.

۴. ملاحظاتی که کشورهای گوناگون در تألیف کتاب راهنمای معلم، به لحاظ ظاهری و محتوایی مورد توجه قرار داده‌اند.

۵. نظم ایده‌آل برای تألیف کتاب راهنمای معلم و تعیین اهمیت متغیرها، با توجه به دوره‌ی تحصیلی و وضعیت و تجربیات معلمان.

منابع

1. Encyclopedia of Curriculum (1994). MC Neil, Teacher's Guide. Page: 81-83.
2. KaLTSounis, Theodone (1989). states and Regions, Annotated Teachers Edition. Silver Bordett Company. New Jersey.
۳. دبستان و وظایف آن. ماهنامه‌ی تعلیم و تربیت (فروردین ۱۳۱۴). سال پنجم. شماره‌های ۱، ۲، ۳ و ۴. وزارت آموزش و پرورش.
۴. صفوی، امان‌اله و معافی، محمود (۱۳۶۹). ویژگی‌های راهنمای معلم. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی.

